

از نگاه همی دیگر



حج گزاری در مسلمانان

مهدی مهریزی
(قسمت اول)

نیز می تواند نشان دهنده بازتاب و تأثیر آن آموزه‌ها در زندگی مسلمانان باشد.

موضوع و مبحث زن از مباحثی است که می‌توان آن را در پرتو تعلیمات اسلامی در باره حج و نیز حج‌گزاری مسلمانان به بحث گذاشت.

این مسأله را از چند زاویه می‌توان مطالعه کرد:

الف: آموزه‌های اسلامی حج، چه تصویری از زن را نشان می‌دهد. ب: رفتار و فرهنگ مسلمانان حج‌گزار تا چه پایه بدان آموزه‌ها نزدیک است و از آن تأثیر پذیرفته و می‌پذیرد.

ج: تلقی زنان از حج و آموزه‌های آن چیست و زنان مسلمان چه کارهایی در باره حج به انجام رسانده‌اند.

بر این اساس، بررسی همه جانبه مسأله «زنان و حج» ایجاب می‌کند که پژوهش‌هایی در سه محور انجام گیرد:

یک. زن در آموزه‌های دینی حج
دو. زن در حج‌گزاری مسلمانان
سه. تلقی زنان از حج و رفتار
زنان در باره حج در تاریخ
اسلامی

در ذیل هر یک از این سه محور به این موضوعات جزئی باید پرداخته شود.



حج یکی از مظاهر و منابع فرهنگ و تمدن اسلامی است. می‌توان گفت یکی از راه‌های پی بردن به نظریه‌های اسلامی در موضوعاتی خاص، تحلیل معارف و آموزه‌های دینی در باره حج است؛ چنانکه تحلیل وقایع و آنچه در حج‌گزاری مسلمانان رخ داده

* زن در آموزه‌های حج

۱. وجوب حج بر زنان
۲. همراه داشتن محرم در سفر حج
۳. حج استحبابی زنان
۴. اشتراط و عدم اشتراط اذن همسر در سفر حج واجب
۵. اختلاط زن و مرد در طواف
۶. عدم اشتراط تقدم و تأخر در نمازهای مسجد الحرام
۷. وجوب کشف صورت برای زنان در احرام

و...

* زنان در حج‌گزاری مسلمانان

۱. زن در سفرنامه‌های مردان
۲. قوانین و مقررات کشورهای اسلامی نسبت به حج زنان
۳. قوانین و مقررات وضع شده از سوی امیران مکه و مدینه نسبت به حضور زنان

و...

* حج‌گزاری زنان در دوره‌های اسلامی

۱. چگونگی حج‌گزاری زنان
 ۲. خدمت زنان به حج
 ۳. تلقی و برداشت زنان از احکام و اسرار و معارف سفر حج
- مقایسه سفرنامه‌های مردان و زنان

- تحلیل‌های زنان در باب اسرار و

معارف حج

- فتاوا و آرای فقهی زنان درباره حج آنچه تاکنون در این زمینه‌ها به صورت ویژه تألیف شده، بسیار اندک است. آثاری در باب مناسک و احکام بانوان تألیف گردیده که کهن‌ترین آن کتاب *مناسک النسوان*، شیخ ابوالفتح کراچکی (م ۴۴۹ق.) است که به درخواست صارم الدوله تحریر شده است.^۱ همچنین کتابی با عنوان *نهج البیان فی مناسک النسوان*.^۲

در دوران معاصر نیز کتبی با عنوان احکام بانوان در عمره و حج بر پایه فتاوی فقهی مراجع تقلید نشر یافته است.

از این گونه آثار فتوایی و فقهی که بگذریم، می‌توان به کتاب *الدرر الفرائد المنظمة فی أخبار الحاج و طریق مكة المعظمة*، تألیف عبدالقادر محمد بن عبدالقادر بن محمد الانصاری الجزیری الحنبلی (م ۹۷۷ق.) اشاره کرد که در جلد دوم، ۶۲ تن از زنان سرشناس و بزرگ را که به حج رفته‌اند، معرفی می‌کند.^۳

همچنین مقاله‌ای در میقات حج، (ش ۵۳) با عنوان *زن و حج*^۴ به چاپ رسیده که به مباحث کلی در این موضوع پرداخته است. در این نوشتار مباحثی در محور دوم؛ (زن در حج‌گزاری مسلمانان) ارائه می‌گردد

و این قسمت از مقاله، گزارشی است از بررسی سفرنامه‌های حج مردان.

زن در سفرنامه‌های حج

۱. سفرنامه نویسی از منابع معرفتی در حوزه تاریخ است. در سفرنامه‌ها اطلاعاتی درباره تمدن‌ها، آداب و رسوم ملل، علوم و دانش‌های معمول، روابط سیاسی و روحیه‌های فردی، جامعه‌شناسی ملل و بسیاری چیزهای دیگر نهفته است. برای دوره‌هایی از تاریخ که منابع اندک دارد سفرنامه‌ها گنجینه ارزشمندی را در خود جای داده‌اند.

۲. بر همین قاعده، سفرنامه‌های حج، که توسط مسلمانان و مورخان به تحریر درآمده، یکی از گنجینه‌های ارزشمند، برای آگاهی از فرهنگ حج در گذشته‌های دور و نزدیک است.

در ادوار مختلف، بیش و کم مسلمانان در شرق و غرب جهان اسلام، به فارسی و عربی سفرنامه‌هایی را به قلم آورده‌اند، که بسیاری از آن‌ها تاکنون به چاپ رسیده و مواردی نیز هنوز چاپ نشده یا متن آن مفقود گردیده است.

بر اساس تتبع یکی از محققان، تاکنون ۵۰ سفرنامه به زبان عربی^۵ و نیز ۱۰۱ سفرنامه به زبان فارسی تحریر شده است.^۶

۳. از موضوعاتی که در تجزیه و تحلیل

سفرنامه‌های حج می‌بایست مورد توجه و دقت قرار گیرد، مسأله «زن در سفرنامه‌ها» است. این مسأله از دو زاویه قابل تحلیل و بررسی است:

* بررسی سفرنامه‌هایی که به دست زنان نگارش یافته و مقایسه آن با سفرنامه‌های مردان.

* زن به عنوان یک موضوع در سفرنامه‌ها؛ سفرنامه‌های زنان یا سفرنامه‌های مردان. مقصود آن است که با تحلیل و بررسی سفرنامه‌ها روشن گردد که:

آیا سفرنامه نویسان در گزارش حج به حضور زنان توجه داشته‌اند یا خیر؟ و اگر توجه داشته‌اند، چه چیزی بیشتر برای آنان قابل توجه بوده است؟ عبادتشان، تبعیض‌ها، حجابشان یا امور دیگر آنان؟

از این بررسی‌ها می‌توان به دست آورد که حضور زنان در حج چه میزان بوده است و نیز نوع پوشش و تعامل آنان با مردان را تا حدی می‌تواند از دل این سفرنامه‌ها به دست آورد. همچنین از این بررسی‌ها می‌توان تفاوت نگاه سفرنامه‌نویسان غرب و شرق جهان اسلام و نیز زنان و مردان را استخراج و تحلیل کرد.

در این نوشتار، سه مورد از سفرنامه‌های کهن؛ یعنی سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی، ابن

جیبور و ابن بطوطه و یک مورد از سفرنامه‌های دوره معاصر؛ یعنی سفرنامه جلال آل احمد مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته است:

۱. سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی (۴۸۱-۳۹۴ ق.)

ناصر خسرو تا ۴۳ سالگی شغل دیوانی و دبیری داشت و در آن سن، دچار انقلاب روحی شد و عزم سفر کرد. سفر وی هفت سال طول کشید و در این هفت سال، چهار نوبت حج به جا آورد. گزارش سفر هفت ساله او، سفرنامه وی می‌باشد که به زبان فارسی نگاشته شده است.

شرح چهار نوبت حج وی، که چهارمین آن مفصل‌ترین آن‌ها است، از سفرنامه استخراج شده و در فصلنامه «میقات حج»^۷ به صورت کامل آمده است. قابل توجه آن که در این چهار سفر، هیچ یاد و نشانی از خوبی یا بدی زنان نیست. نوبت‌های حج ناصر خسرو بدین قرار است:

سفر اول: سال ۴۳۸ قمری.
سفر دوم: سال ۴۳۹ قمری. ورود به مدینه ۲۶ ذی قعدة و خروج از مکه ۱۲ ذی حجه.
سفر سوم: سال ۴۴۰ قمری. ورود به مکه ۸ ذی حجه.

سفر چهارم: سال ۲۴۴ قمری. ورود به مکه یکشنبه آخر جمادی الآخر و خروج از آن، ۱۹ ذی حجه.

۲. سفرنامه ابن جبیر (۶۱۴-۵۴۰ ق.)

محمد بن احمد بن جبیر در بلنسیه اسپانیا متولد شد. وی شاعر، ادیب، فقیه و سیاح بود. سه بار به مشرق زمین سفر کرد و علاوه بر زیارت خانه خدا، شهرهایی را که در مسیر بغداد، موصل، حلب و دمشق - دید و در سفر اخیر خود، در اسکندریه درگذشت.

سفرنامه وی، گزارشی یکی از این سفرهاست که در جمعه، سی ام شوال ۵۷۸ قمری آغاز شده^۸ و روز پنجشنبه ۲۲ محرم سال ۵۸۱ به شهر خود، غرناطه می‌رسد. مدت این سفر دو سال و سه ماه و نیم بود.^۹

وی در این سفر، روز پنجشنبه ۱۳ ربیع الآخر سال ۵۷۹ قمری به مکه می‌رسد و ۲۲ ذی حجه همان سال از مکه خارج می‌شود و روانه مدینه می‌گردد. اقامت وی در مکه ۲۴۵ روز (هشت ماه و اندی) به طول می‌انجامد.^{۱۰} پس از ورود به مدینه، پنج روز نیز در آن جا اقامت می‌گزیند و روز شنبه هشتم محرم از مدینه عازم عراق می‌شود.^{۱۱}

این سفرنامه توسط پرویز اتابکی به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۷۰ از سوی مؤسسه چاپ و نشر آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است.

این سفرنامه، حاوی مطالب و نکات تاریخی و جغرافیایی فراوان است که در

روی آوردند و زیر ناودان مبارک (کعبه) ایستادند، پیراهن‌های خود را از تن برون کردند و آبی را که از ناودان فرو می‌ریخت بر سر و دست و دهان خویش افشانند و نوشاندند و پیرامون آن محل به انبوهی گرد آمدند و ازدحام کردند و غریو و غلغله- ای بزرگ بر آوردند. هر کس می‌خواست و می‌کوشید از آن رحمت الهی به پیکر خود سهم و نصیبی رساند، بانگ دعای ایشان بر آسمان بلند بود و اشک سیل آسای اهل خشوع و زاری آنان سرازیر بود و جز بانگ استغاثه دعا و شیون گریه به گوش نمی‌رسید. زنان بیرون از سنگچین حجر ایستاده و با دیدگانی اشکبار و دل‌هایی زار و بی‌قرار آرزو می‌کردند که بدان جایگاه در توانند آمد، بعضی از حاجیان نایب الزیارة مهربان، جامه خود را بدان آب مبارک تر می‌کردند و نزد زنان می‌آمدند و آن جامه را بر دست بعضی از زنان می‌افشردند، ایشان آن را می‌نوشیدند و بر رخساره و تن خویش می‌فشاندند.»^{۱۲}

* ورود زنان به درون کعبه

ابن جبیر گوید: «در کعبه (و بیت الله العظیم) به روزهای دوشنبه و آدینه گشوده می‌شود جز در ماه رجب که هر روز باز می‌شود»^{۱۳} در این روزها فقط مردان به درون کعبه می‌روند. در روز بیست و نهم رجب رفتن به درون کعبه اختصاص به زنان دارد.

به سبب وجود انبوه مردان (که همواره کعبه را انباشته‌اند) این زنان بینوا و مغبون‌اند؛ زیرا خانه گرامی کعبه را می‌بینند و در آن پناه گرفتن نمی‌توانند. حجرالأسود مبارک را می‌نگرند و بر بوسیدن آن حسرت می‌برند (و خون دل می‌خورند) و بهره آنان از این فیض، تنها دیدن است و آه به افسوس دمیدن و در عالم خیال پر کشیدن و آنان را جز طوافی از دور بهره‌ای منظور نیست.

این جا تنها نگاه او به زن گزارش می‌شود. این سفرنامه از معدود سفرنامه‌هایی است که توجه بسیار به حضور زنان دارد و در جای جای آن، گزارش‌هایی در این باب دیده می‌شود.

اکنون برخی از این موارد را می‌آوریم:

* آمدن باران در مسجد الحرام

«از آنچه واجب است در برکت زیارت و فضل دیدار (بیت الله الحرام) ثبت و درج شود، این است که در روز جمعه نوزدهم جمادی الأولى، برابر نهم سپتامبر، خداوند دریای رحمت خود را موج ساخت و چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: سرچشمه فیاض باران سرازیر شد و این (بارندگی) پس از نماز عصر و پیش از شامگاه روز مذکور بود. بارانی نیکو باریدن گرفت و مردم به حجر

وی گزارش آن را چنین می آورد:

«روز بیست و نهم این ماه (رجب)؛ یعنی روز پنج شنبه (زیارت درون) خانه کعبه تنها به زنان اختصاص داده شد و آنان از هر کران درآمدند و از چند روز پیش همچون آمادگی و گردهمایی برای دیدار (دیگر) زیارتگاه‌های مکرّم، بدین مناسبت خود را آماده کرده و جشن گرفته بودند و زنی در مکه نماند مگر آن‌که آن روز در بیت الحرام شرف حضور و عزّ التزام یافت. چون کلیدداران و پرده داران کعبه برای گشودن در آن خانه کریم به عادت قدیم (به درون کعبه رفتند) در خروج از کعبه شتاب کردند (و از زمان توقف معهود خویش به دیگر

روزها کاستند) و راه را برای ورود زنان گشودند. مردم نیز به خاطر آن‌ها از طوافگاه و حیطة حجر (اسماعیل) دور شدند و پیرامون آن خانه مبارک، یک تن از مردان باقی نماند. زنان شتابان از پلکان به آستان کعبه بالا رفتند؛ چنان‌که پرده داران هنگام به زیر آمدن از آن گرمی خانه، نمی‌توانستند از میان آنان راهی به بیرون یابند. زنان زنجیروار به یکدیگر پیوستند و چنان یکدیگر را می‌فشردند (که به یک لغزش پای) شیون کنان و تکبیر و تهلیل گویان بر روی

هم فرو غلتیدند. ازدحام ایشان به ازدحام قبایل سررویمنی هنگام درنگ آنان در مکه و بالا رفتن آنان (بر آستان کعبه) به روز (اعلام خبر) فتح بیت‌المقدس می مانست و حال اینان همان حال بود (و همان غوغا و قیل و قال) انبوه زنان، نیمه اول روز را به همین وضع ادامه دادند و در طوافگاه و حجر، داد دل گرفتند و از بوسیدن حجر الأسود و دست سودن بر ارکان (کعبه) شفای جان جُستند. این روز نزد آنان بس بزرگ و نامدار و درخشان و با اعتبار بود. خداوند آنان را مستفید فرماید و عبادت خالصانه ایشان را عبادتی محض ذات کریم خود محسوب دارد.



باری به سبب وجود انبوه مردان (که همواره کعبه را انباشته‌اند) این زنان بینوا و مغبون‌اند؛ زیرا خانه گرامی کعبه را می‌بینند و در آن پناه گرفتن نمی‌توانند. حجرالأسود مبارک را می‌نگرند و بر بوسیدن آن حسرت می‌برند (و خون دل می‌خورند) و بهره آنان از این فیض، تنها دیدن است و آه به افسوس دمیدن و در عالم خیال پر کشیدن و آنان را جز طوافی از دور بهره‌ای منظور نیست. ایشان سال به سال به انتظار این روز و بروز این حال، چنان مانند که چشم به راه شریف‌ترین و گرامی‌ترین عیدها دارند و در آماده شدن برای بزرگداشت و فراهم آوردن وسایل این عید زیاده‌روی‌های بسیار و تکلف‌های بی‌شمار کنند. خداوند به فضل و کرم خود، بدین حسن نیت و اعتقاد، ایشان را جزای خیر دهد!»^{۱۴}

* حضور بی شمار زنان ایرانی در مکه

«امیرالحاج عراقی با جمعی رسیده بود که پیشتر هرگز بدین حد نرسیده بود. همراه او امیران ایرانی خراسانی و بانوان شایسته ممتازی بودند که خاتون نامیده می‌شوند و جمع آنان را خواتین گویند و نیز بانوان بسیار از امیرزادگان و دیگر ایرانیان به قدری آمده بودند که به شمار در نمی‌گنجید.»^{۱۵}

* سه خاتون نامدار و نیکوکار

«ما روز جمعه به سببی عجیب در آنجا درنگ کردیم؛ بدین معنی که برای ملک خاتون - دختر امیر مسعود، شاه دربند و ارمنستان تا سرزمین روم - که یکی از سه خاتونی بود که به حج آمده بودند، ماجرای پیش آمد. این خاتونان همراه امیرالحاج، ابوالمکارم تاشتکین، غلام امیرالمؤمنین که هر سال از جانب خلیفه اعزام می‌شود و هشت سال یا بیشتر است که این مهم را بر عهده دارد - به مکه آمده بودند و این خاتون، به سبب وسعت مملکت پدر خود، گرانقدرترین خاتونان بود. مقصود از معرفی و ذکر ماجرای او این است که وی شب جمعه با چند تن از خدمتگزاران خاص و اطرافیان خود شبانه از بطن مَرّ روانه مکه شد و روز جمعه جای او در میان کاروان تهی بود. امیرالحاج معتمدانی از یاران خاص خود را به جستجو فرستاد تا او را بیابند و سبب انصراف او را از همراهی با کاروان جویا شوند، از این رو مردم را به انتظار او نگهداشتند تا شبانگاه روز شنبه بیامد. درباره سبب انصراف این خاتون نازپرورده، تیرهای حدس و گمان از هر سو روان شد و اذهان کاروانیان برای فهمیدن راز نهفته او به کار افتاد. پاره‌ای می‌گفتند:

سبب انصراف او مخالفت و انتقادی بوده است که بر رفتار امیرالحاج رانده و پاره‌ای می‌گفتند: جَدَبَات شوقِ مجاورت کعبه مکرم او را دیگر بار به زیارت آن خانه معظم کشانده است و دانستن غیب بر کس به‌جز خدای نمانده. باری اصل ماجرا هر چه بود، خداوند آن درنگ و معطلی کاروان را چاره ساز شد و راه ادامه حرکت حاجیان باز و خدا را بر این امر و گشایش کار سپاس خاص بسیار باد! پدر این زن - چنان که پیشتر گفتیم - امیر مسعود است و او را مملکتی است چنان پهناور و حکومتی گسترده که طبق معلومات مسلم بر ما، بیش از یکصد هزار سوار در خدمت دارد و داماد او، همسر همین خاتون، نورالدین صاحب آمد و جز آن است و نزدیک به دوازده هزار سوار دارد. این خاتون (نیکوکار) را در راه سفر حاجیان آثار نیک بسیار است و از آن جمله سقاخانه‌هایی است در راه که برای رساندن آب رایگان تعیین کرده و نزدیک به سی اشتر و دولاپ آبکشی دارد و همچنین برای تأمین و حمل ره توشه زائران بیت‌الله از قبیل جامه و زاد راه و دیگر چیزها نزدیک به یکصد شتر اختصاص داده است. شرح کارهای نیک او به درازا می‌کشد. وی نزدیک به بیست و پنج سال عمر دارد.

خاتون دوم مادر معزالدین صاحب

موصل و همسر بابک، برادر نورالدین است که صاحب شام بود - خدایش رحمت کند - و این زن را نیز کارهای نیک و احسان بسیار است.

خاتون سوم دختر دقوس صاحب اصفهان، از بلاد خراسان است، او زنی است گرانقدر و بزرگ شأن که در اعمال خیر پیشدستی می‌کند و کارهای نیک این هر سه زن و اهتمام آنان بر (انجام) اعمال خیر، همراه با شکوه و جلال سلطنتی بسیار شگفت انگیز و تحسین آمیز است.^{۱۶}

خاتونانی که از ایشان نام بردیم - اگر خود هر سال حج نگرارند - اشترانی آبکش را همراه موثقان خود با حاجیان روانه کنند که برای سیراب کردن آوارگان مانده در راه، در سراسر جاده در جای‌هایی معلوم مستقر شوند. در تمام راه، همراه این شتران آب هست، نیز در عرفات و مسجد الحرام به هر روز و شب، رایگان آب رسانند و آن نیکخواهان را از این راه اجری بزرگ حاصل آید و توفیق (انواع) خدمت جز از جانب خدای جل جلاله نیست. در طول راه همواره بانگ سواران بر اشتران آبکش شنیده می‌شود که مردم را به برگرفتن آب رایگان می‌خوانند و کسانی که ره توشه و آبشان تمام شده نزد آنان می‌آیند و ابریق‌های خود را پر می‌کنند و منادی به بانگ رسا می‌گوید: خداوند ملکه

می‌رفتند و خادمان در حق او بانگ به دعا بر می‌داشتند و نام او را بر زبان می‌راندند. سپس به روضه کوچک که میان تربت مکرم و منبر قرار دارد رفت و در پناه همان چادر نماز گزارد و آن گاه به سوی بدنه غربی روضه مکرم رفت و در آن جا که گویند محل فرود آمدن جبریل (علیه السلام) بوده بنشست. برابر او پرده‌ای افکندند و (فراشان) جوان و صقلیبان و پرده داران وی پشت آن پرده و گوش به فرمان او ایستادند. دو عدل کالا برای تقدیم صدقه، همراه او به مسجد آوردند. وی تا رسیدن شب همچنان در جای خود بماند تا خبر رسید که صدرالدین رئیس اصفهانی شافعیان که بزرگوار و

خاتون، دختر فلان پادشاه را که مقامی چنین و چنان دارد پایدار و باقی گذارد. این سخن را از آن رو می‌گویند که نام آن خاتون نیکخواه را اعلام کند و عمل خیر او را اظهار دارد و از مردم در حق او دعا طلبد، خداوند پاداش کسی را که کاری خیر کند ضایع نسازد! ما پیشتر معنای این لفظ، (خاتون) را شرح دادیم و گفتیم که مصداق آن نزد ایشان معادل مصداق «بانوی بزرگوار» یا مفهومی شایسته و سزاوار این لفظ گرانبار شاهانه زنانه است.^{۱۷}

از شگفتی‌هایی که در امر بدیع حفظ آبرو و کسب اشتهار (و علاقه بزرگان به داشتن ارج و اعتبار) دیدیم این بود که یکی از خاتونان یاد شده؛ یعنی دختر امیر مسعود - که پیشتر از او و پدرش یاد کردیم - عصر روز پنج شنبه ششم محرم و چهارمین روز وصول ما به مدینه، در حالی که بر تخت روان خود سوار بود و پیرامونش تخت روان‌های ندیمه‌ها و خادمانش حرکت می‌کرد و قاریان پیشاپیش او می‌آمدند و (فراشان) جوان و صقلیبان عمودهای آهنین در کف، گرد او می‌گشتند و مردم را از برابر او دورباش می‌دادند. بیامد تا به در مسجد مکرم رسید و آن جا در پناه ملحفه‌ای که بر او افکنده بودند پیاده شد و به راه افتاد و برای عرض سلام به پیشگاه حضرت خیرالآنام پیش رفت و کنیزان و بندگان پیشاپیش او



حسن شهرت و نامداری در علم را پشت اندر پشت به میراث برده، برای برگزاری مجلس و عظیم آن شب که شب جمعه، هفتم حرم است، به مسجد می‌آید. اما رسیدن او به مسجد تا پاسی از شب گذشته به تأخیر افتاد، حرم انباشته از منتظران بود و آن خاتون همچنان در جای خود نشسته.^{۱۸}

سپس آن مجلس به پایان رسید و امیرالحاج روانه شد آن خاتون نیز از جای خود برخاست و برفت. هنگام رسیدن صدرالدین مذکور پسرده را از برابر آن خاتون برگرفته بودند. او میان خادمان و همدمان خود، پیچیده به ردای خویش نشسته بود از احتشام و نامداری شاهوار آن زن در شگفت شدیم.^{۱۹}

* حضور زنان در عمره اول ماه رجب

«... از شگفت‌ترین چیزها که ما دیدیم هودج سید بانو جُمانه دختر فُلَيْتَه، عمه امیر مکرر بود که دامان پرده آن به جلوه و شکوهی تمام بر زمین می‌کشید و نیز دیگر هودج‌های متعلق به حرم امیر و حرم سرداران وی و بسیاری هودج‌های دیگر که از انبوهی و فزونی، شمار آن‌ها بر ما دشوار و تعدادشان بیرون از حد شمار بود... در سرتاسر راه، از دو سوی آتش‌ها برافروخته بود، پیشاپیش اشتران حامل هودج‌های زنان توانگر و متشخص مکه نیز شمع روشن می‌کشیدند.»^{۲۰}

* حضور زنان در عمره روز دوم ماه

رجب

چون روز دوم (موسم رجب) یعنی جمعه فرا رسید راه عمره از انبوهی سواران پیادگان زن و مرد همچون روز پیش بود (و هر کس گرم کار خویش). زنان پیاده نایب الزیاره بسیار بود که در این راه مبارک بر مردان پیشی می‌گرفتند. خداوند به لطف خود زیارت همه ایشان را قبول کند....

در این میان چون مردان به یکدیگر رسند دست می‌دهند و به یکدیگر دعا می‌کنند و برای هم آرزوی می‌طلبند و زنان نیز چنین می‌کنند.^{۲۱}

* حضور زنان در عمره روزهای دیگر

ماه رجب

در این ماه (رجب) عمره‌گزاری مرد و زن، روز و شب پیوسته بر دوام است اما اجتماع همگانی و شامل خاص و عام در همان نخستین شام، یعنی شب فرا رسیدن موسم (عید) نزد ایشان صورت بندد. در این ماه مبارک در گرمی خانه (کعبه) را هر روز می‌گشایند و چون روز بیست و نهم این ماه برسد (ورود به کعبه) تنها به زنان اختصاص داده شود. بدان روز برای زنان در مکه جشنی بزرگ نمایش داده می‌شود که قیامتی است از آرایش (مکیان) و از پیش برای آن آماده شده‌اند.

ما در روز پنج شنبه پانزدهم این ماه مراسم اجتماعی را برای عمره دیدیم که شبیه مراسم نخستین روز این ماه بود و یک تن از مردان و زنان مکه نبود که به عمره بیرون نیامده باشد. کوتاه سخن، این ماه مبارک سرتاسر از عبادات گوناگون چون عمره و دیگر زیارت ها دایر و سرشار است و روزهای نخست و نیمه و نیز بیست و هفتم آن نصیب بیشتر و برجسته تری از این مراسم دارد.^{۲۲}

* حضور زنان در عمره بیست و هفتم رجب

شب سه شنبه بیست و هفتم این ماه، یعنی ماه رجب، دیگر بار مراسمی بزرگ در بیرون شدن به عمره از مکیان به ظهور رسید که دست کمی از مراسم اجتماع و جشن نخستین نداشت و مرد و زن به همان صفات و هیأت ها - که پیشتر یاد کردیم - برای تبرک جویی از فضل این شب، به انبوه بیرون آمدند، چه این شب از شب هایی است که فضیلت آن شهرت دارد.^{۲۳}

ابن جبیر به جز این موارد در جاهای دیگر نیز حضور زنان را در انجام امور معنوی به اجمال گزارش کرده است.^{۲۴}

۳. سفرنامه ابن بطوطه (۷۷۰ - ۷۰۳ ق.)

ابن بطوطه، سفرش را در روز پنجشنبه، دوم رجب سال ۷۲۵ قمری آغاز کرد. در آن هنگام

۲۲ سال داشته^{۲۵} و در سال ۷۵۶ سفرش را پایان می دهد.^{۲۶} این سفر سی سال به درازا می انجامد. در این مدت، هفت نوبت حج به جامی آورد^{۲۷} یعنی سال های ۷۲۶،^{۲۸} ۷۲۷،^{۲۹} ۸۲۷،^{۳۰} ۷۲۹،^{۳۱} ۰۳۷،^{۳۲} ۳۳۳۷ و ۷۴۹^{۳۴}

گزارش تفصیلی سفر حج وی، همان گزارش نخستین سفر است که در جلد نخست از ترجمه سفرنامه، از صفحه ۴۵۱ تا ۲۱۵ جای دارد.

ابن بطوطه در این سفرنامه، به حضور زنان در حج و مناسک و اعمال آن، کمتر پرداخته است که به آن اشاره می شود:

الف. طواف زنان مکه در شب های آدینه

زنان مکه بسیار زیبا و خوشگل و پاکدامن و عقیف هستند و عطر زیاد مصرف می کنند، چنانکه ممکن است زنی شب گرسنه بخوابد و پول شام خود را برای خرید عطر خرج کند. زنان مکه شب های آدینه را به طواف کعبه می آیند و در این شب ها بهترین لباس های خود را می پوشند، بوی عطر سراسر حرم را فرا می گیرد و چون زنی از جایی عبور می کند بوی عطر تا مدتی در رهگذر او باقی می ماند.^{۲۵}

ب. حج دختر الملك الناصر و زوجه او

نخستین وقفه من روز پنجشنبه سال ۷۲۶ بود. امیر الحاج مصر ارغون دودار (دواتدار) نائب الملك الناصر بود. دختر

توجه به واقعیت‌های بیرون، پرهیز از توصیه و اندرز، توجه به زوایای نگفته و ندیده حج، سبب امتیاز این سفرنامه است. جلال در این سفرنامه به کنار بودن زنان و میدان ندادن به آن‌ها اشاره‌هایی دارد:

۱. «...زن‌ها در این مراسم واقعاً که کنار گودند. به بقیع راهشان نمی‌دادند، به مشاهد اُحد هم. به زمزم هم. و امشب سر بام طبقهٔ دوم مسعی عده‌ای‌شان جلو - لب بام - جا گرفته بودند برای نماز و حسابی دل خوش کرده و تماشا کنندهٔ خانه و طواف دورش. که دو سه تا ترکمن از راه رسیدند و حالی‌شان کردند که زن‌ها باید بروند عقب مردها و رفتند.»^{۳۷}

۲. «و باز این زن‌ها که موقع نماز باید بروند عقب مردها! ولی سر صف که بودیم، به تشهد نشسته، زنکی سیاه پوش و بچه‌اش در دنبال، از سر دوش مردها شلنگ زنان می‌رفت به طرف حجر، تا با دل سیر استلام کند. حرم پر بود و سوزن انداز نداشت و صف پشت صف. اما زنک انگار نه انگار که از میان موانع سنگی یک بیابان دارد می‌گذرد. نه هیبتی از خانه، نه حرمتی برای صف نماز مردان. و دیدم که صاحب خانه اوست.»^{۳۸}

همچنین رساندن آب به مکه را توسط زبیده، در چند جای کتاب گوشزد کرده است.^{۳۹}

زنان مکه بسیار زیبا و خوشگل و پاکدامن و عقیف هستند و عطر زیاد مصرف می‌کنند، چنانکه ممکن است زنی شب گرسنه بخوابد و پول شام خود را برای خرید عطر خرج کند. زنان مکه شب‌های آدینه را به طواف کعبه می‌آیند و در این شب‌ها بهترین لباس‌های خود را می‌پوشند، بوی عطر سراسر حرم را فرا می‌گیرد و چون زنی از جایی عبور می‌کند بوی عطر تا مدتی در رهگذر او باقی می‌ماند

ناصر نیز که زوجه ابوبکر پسر ارغون مذکور بود و زوجه الناصر به نام خونده که دختر سلطان محمد اوزبک پادشاه سرا و خوارزم بود در آن سال به زیارت حج آمده بودند.^{۳۶}

۴. سفرنامه جلال آل احمد

جلال آل احمد در سال ۱۳۴۳ شمسی (۱۲ فروردین تا ۱۳ اردیبهشت) به حج رفته است. یادداشت‌های سفر حج را با عنوان «حسی در میقات» منتشر کرد.

این سفرنامه در میان سفرنامه‌های فارسی، یکی از بهترین و شاید بتوان گفت بهترین آن‌ها است. روانی قلم، بیان احساس درونی،

بخش یک. سفرنامه‌های زنان

۱. سفرنامه منظوم،^{۴۰} زوجه میرزا خلیل (قرن ۱۲)، چاپ شده در نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۲۵۹۱
۲. سفرنامه مکه،^{۴۱} دختر فرهاد میرزا، همسر نصیر الدوله، سال ۱۲۹۷ق. چاپ شده در فصلنامه «میقات حج»، (ش ۱۷، صص ۱۱۷-۵۷) و دارای نسخه خطی در کتابخانه شماره ۲ مجلس، ش ۱۲۲۵
۳. سعی هاجر، شکوه میرزادگی، انتشارات فاروس ایران، ۱۳۵۶
۴. ذکریات علی تلال مکه، بنت الهدی، دارالتعارف، ۱۴۰۰، بیروت، بخش‌هایی از سفرنامه توسط جناب آقای جواد محدثی ترجمه شده و در فصلنامه «میقات حج»، شماره ۹ و ۱۰ به چاپ رسیده است.
۵. وعده وصل، فاطمه صالحی، «میقات حج»، ش ۲۱، صص ۱۹۸-۱۹۲

۶. یکی از کهن‌ترین سفرنامه‌های حج، سفرنامه ابن جبیر است که در سال ۵۷۹ قمری رخ داد. این سفرنامه توسط آقای پرویز اتابکی به فارسی برگردانده شده است. وی گزارش ورود زنان به درون کعبه را چنین گزارش کرده است:

«... روز بیست و نهم این ماه (رجب)؛ یعنی روز پنج شنبه (زیارت درون) خانه کعبه تنها به زنان اختصاص داده شد و آنان از هر کران درآمدند و از چند روز پیش همچون آمادگی و گردهمایی برای دیدار (دیگر) زیارتگاه‌های مکرّم، بدین مناسبت خود را آماده کرده و جشن گرفته بودند و زنی در مکه نماند مگر آن که آن روز در بیت الحرام شرف حضور و عزّ التزام یافت. چون کلیدداران و پرده داران کعبه برای گشودن در آن خانه کریم به عادت قدیم (به درون کعبه رفتند) در خروج از کعبه شتاب کردند (و از زمان توقف معهود خویش به



دیگر روزها کاستند) و راه را برای ورود زنان گشودند، مردم نیز به خاطر آن‌ها از طوافگاه و حیطة حجر (اسماعیل) دور شدند و پیرامون آن خانه مبارک، یک تن از مردان باقی نماند. زنان شتابان از پلکان به آستان کعبه بالا رفتند؛ چنان‌که پرده داران هنگام به زیر آمدن از آن گرمی خانه، نمی‌توانستند از میان آنان راهی به بیرون یابند. زنان زنجیروار به یکدیگر پیوستند و چنان یکدیگر را می‌فشردند (که به یک لغزش پای) شیون کنان و تکبیر و تهلیل گویان بر روی هم فرو غلتیدند. ازدحام ایشان به ازدحام قبایل سرو یمنی هنگام درنگ آنان در مکه و بالا رفتن آنان (بر آستان کعبه) به روز (اعلام خبر) فتح بیت المقدس می‌مانست و حال اینان همان حال بود (و همان غوغا و قیل و قال) انبوه زنان، نیمه اول روز را به همین وضع ادامه دادند و در طوافگاه و حجر داد دل گرفتند و از بوسیدن حجر الأسود و دست سودن بر ارکان (کعبه) شفای جان

جُستند، این روز نزد آنان بس بزرگ و نامدار و درخشان و با اعتبار بود. خداوند آنان را مستفید فرماید و عبادت خالصانه ایشان را عبادتی محض ذات کریم خود محسوب دارد.

باری به سبب وجود انبوه مردان (که همواره کعبه را انباشته‌اند) این زنان بینوا و مغبون‌اند؛ زیرا خانه گرمی کعبه را می‌بینند و در آن پناه گرفتن نمی‌توانند. حجرالأسود مبارک را می‌نگرند و بر بوسیدن آن حسرت می‌برند (و خون دل می‌خورند) و بهره آنان از این فیض، تنها دیدن است و آه به افسوس دمیدن و در عالم خیال پر کشیدن و آنان را جز طوافی از دور بهره‌ای منظور نیست. ایشان سال به سال به انتظار این روز و بروز این حال، چنان مانند که چشم به راه شریف‌ترین و گرامی‌ترین عیدها دارند... خداوند به فضل و کرم خود، بدین حسن نیت و اعتقاد، ایشان را جزای خیر دهد! (صص ۱۸۰ و ۱۸۱)

۱. کتابنامه حج، ص ۳۱۰
۲. همان.
۳. الدرر الفرائد المنظمة، تحقیق: محمد حسن محمد حسن اسماعیل، دار الکتب العلمیه، ج ۲، ص ۴۸۱ - ۴۹۳.
۴. میقات، ش ۵۳، صص ۱۷۵-۱۹۴
۵. میقات حج، ش ۱۷، صص ۱۵-۲۰
۶. میقات حج، ش ۱۷، صص ۱۵-۷
۷. شماره ۵، صص ۵۳۹ - ۲۳۲
۸. سفرنامه ابن جبیر، ص ۶۵
۹. همان، ص ۴۲۴
۱۰. همان، ص ۲۲۹
۱۱. همان، ص ۲۵۲
۱۲. سفرنامه ابن جبیر، ص ۱۵۷
۱۳. همان، ص ۱۲۹
۱۴. سفرنامه ابن جبیر، ص ۱۸۱ - ۱۸۰
۱۵. همان، ص ۲۲۱
۱۶. سفرنامه ابن جبیر، صص ۱۳۰ - ۱۲۹
۱۷. سفرنامه ابن جبیر، ص ۲۳۲
۱۸. همان، ص ۲۴۸
۱۹. همان، ص ۲۴۹
۲۰. همان، ص ۱۷۲
۲۱. همان، ص ۱۷۴
۲۲. سفرنامه ابن جبیر، ص ۱۷۸
۲۳. همان، ص ۱۷۹
۲۴. ر. ک. به: ص ۱۸۲، دو سطر به آخر، ص ۱۹۳، سطر ۸، ص ۲۲۷، سطر ۳، ص ۲۵۱، سطر ۷
۲۵. سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۵۱، ترجمه محمد علی موحد.
۲۶. همان، ج ۲، ص ۳۷۱
۲۷. همان، ج ۱، ص ۲۹
۲۸. همان، ص ۱۵۴
۲۹. همان، ص ۲۹۴
۳۰. همان، ص ۲۹۵
۳۱. همان.
۳۲. همان.
۳۳. همان، ص ۳۴۱
۳۴. همان، ج ۲، ص ۳۲۲۲
۳۵. همان، ج ۱، ص ۱۹
۳۶. همان، ج ۱، ص ۲۱۲
۳۷. خسی در میقات، ص ۹۶، انتشارات نیل، ۱۳۴۶
۳۸. همان، صص ۱۷۰ - ۱۶۹
۳۹. همان، صص ۱۳۳ و ۱۴۸ و ۱۶۸ - ۱۶۹
۴۰. فهرست دانشگاه، ج ۹، ص ۴۱۹، کتابنامه حج، ص ۱۷۵، ش ۶۶۲؛ میقات، ش ۱۲، ص ۱۷۸
۴۱. فهرست، ج ۲، ص ۱۷۲